

خاطرات سلطانی

از قصر شیرین تا قصر قجر

گزارش شادروان محمد طاهر سلطانی
از واقعه دستگیری و زندان و تبعید سران کرد، لر،
بختیاری، قشقایی و بلوچ
(۱۳۲۰ - ۱۳۱۰ خورشیدی)

با

الحاقات و اضافات و تعلیقات

به اهتمام
محمد علی سلطانی

۱۳۸۴ - تهران

2005

سلطانی، محمدطاهر، ۱۲۷۸ - ۱۳۶۴.

خاطرات سلطانی از قصرشیرین تا قصرقبر: گزارش شادروان محمد طاهر سلطانی از واقعه دستگیری و زندان و تبعید سران کرد، لر، بختیاری، قشقایی و بلوچ (۱۳۲۰ - ۱۳۱۰ خورشیدی) / به اهتمام محمدعلی سلطانی؛ ویراستار آرش امجدی. -- تهران: شه، ۱۳۸۴.

۳۲۲ ص: مضمون.

۴۰/۰۰۰ ریال

ISBN 964-6254-46-2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. سلطانی، محمدطاهر، ۱۲۷۸ - ۱۳۶۴ -- خاطرات. ۲. ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ .. زندان و زندانیان. ۳. زندانیان -- ایران -- خاطرات. ۴. کردان -- ایران -- تاریخ -- ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰. الف. سلطانی، محمدعلی، ۱۳۳۶ - . ب. عنوان. ج. عنوان: گزارش شادروان محمدطاهر سلطانی از واقعه دستگیری و زندان و تبعید سران کرد، بختیاری، قشقایی و بلوچ (۱۳۲۰ - ۱۳۱۰ خورشیدی).

۹۵۵/۰۸۲۳۰۹۲

DSR ۱۴۸۶/ ۷۷ ص

۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران

م ۸۴ - ۴۱۳۷۷

نام کتاب: خاطرات سلطانی (محمدطاهر سلطانی)

(از قصرشیرین تا قصر قبر) ۱۳۲۰ - ۱۳۱۰ خورشیدی

به اهتمام محمدعلی سلطانی

خط جلد: فریبا مقصودی

ویراستار: آرش امجدی

طراح جلد: بهشاد خداوردی

واژه‌پرداز: لیلاجعفری

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: مهر

نوبت چاپ: اول، قطع وزیری، تهران، نشر شه، ۱۳۸۴، ۳۲۲ صفحه

شابک: ۹۶۴-۶۲۵۴-۴۶-۲

964-6254-46-2

فهرست

عنوان	صفحه
اشاره	۵
صاحب خاطرات و خاندان او در یک نگاه	۶-۱۸
خاطرات سلطانی از قصر شیرین تا قصر قجر)	۱۹-۶۰
توضیحات ارجاعی	۶۱-۷۸
سردار رشید اردلان	۷۹-۸۴
توضیحات ارجاعی	۸۵-۱۱۴
امیر مخصوص کلهر	۱۱۵-۱۲۲
صولت الدوله قشقایی	۱۲۳-۱۲۸
توضیحات ارجاعی	۱۲۹-۱۳۲
علیمردان خان بختیاری	۱۳۳-۱۳۸
توضیحات ارجاعی	۱۳۹-۱۵۸
سردار اسعد بختیاری	۱۵۹-۱۶۲
توضیحات ارجاعی	۱۶۳-۱۶۸
یاور احمد خان همایون - خلعتبری	۱۶۹-۱۷۲
توضیحات ارجاعی	۱۷۳-۱۷۶
تیمورتاش	۱۷۷-۱۸۶
توضیحات ارجاعی	۱۸۷-۱۹۶

۱۹۷-۲۰۸ (۱۳۱۰ - ۱۳۲۰ خورشیدی) اوضاع منطقه غرب کشور ...

۲۰۹-۲۱۴ توضیحات ارجاعی

۲۱۵-۲۳۸ مصاحبه با صاحب خاطرات دربارهٔ

سنجایی‌ها، گیگو، سردار رشید، پشمی و جهانسوزی؛ اشعار رایج در زندان؛ امکانات سران در زندان؛
اوضاع کردها و لرها در زندان؛ زندانیان کرد در شهرهای ایران؛ فرخی، نیرومند؛ علت اعدام سران لر
در محل؛ ملک الشعراء بهار در زندان؛ سرهنگ محمود خان پولادین، هایم کرمانشاهی، دوست محمد
خان بلوچ و...

۲۳۹-۲۵۸ توضیحات ارجاعی

۲۵۹-۲۷۰ اسامی زندانیان کرد، لر و بختیاری

۲۷۱-۲۹۲ آلبوم تصاویر

۲۹۳-۳۰۰ آلبوم (صاحب خاطرات)

۳۰۱-۳۳۲ نمایه

به نام خدا

اشاره

واقعۀ دستگیری، تبعید، اعدام و شکنجۀ کُردها، لُرها، بختیاری‌ها و قشقایی‌ها و بلوچ‌ها به جرم بی‌گناهی عشق به زادگاه، سرزمین، میهن و دفاع مردانه‌ای که در طی هزاران سال از مرزهای کشور داشتند، داستان غم‌انگیزی است که متأسفانه جز به اشاره و گاه در مقاله و پژوهشی با یاد و نامی از آن، برای آگاهی آیندگان ذکر نشده است و سیمای آن سرکوب هولناک را در نوشته‌های امروز به هیچ نحو در حد گسترۀ این ستم تاریخی نمی‌بینیم. شاید رنج‌های بزرگ برای این ملت به صورت عادت درآمده است، اما هر کس اندکی از درد و عسرت و تلاطم این انسان‌های رنج‌دیده را احساس کند و به یاد آورد، از آنچه بر آنان گذشته است، آسان نمی‌گذرد. چه جوانانی که در خون خویش غلتیدند و فریاد آن‌ها با صفیر گلوله‌ها در شام و سحر خاموش شد و چه زنان، کودکان و سالمندان که در راه تبعید جان سپردند و بزرگانی که در حصار زندان‌های دژخیم حاکم، بی‌صدا و گمنام روی در نقاب خاک کشیدند.

امروز پس از گذشت قریب هفتاد و اند سال از آن واقعۀ شوم، خاطرات یکی از اُسرای آن قافله را می‌خوانیم تا به یاد بیاوریم بهای آزادی و رنج دیکتاتوری را که اگر از کنار چنین فاجعه‌هایی آسان بگذریم و با لیت و لُغَل‌های مداربسته، بدون بررسی درست تاریخی به هر رنجی بی‌تفاوت بنگریم، دیری نخواهد پایید که زخم حلبچه و زردۀ بان یاران و سردشت و دردهای هشت سال جنگ بی‌امان و... برای آیندگان جز خواب و خیالی نخواهد بود.

صاحب خاطرات و خاندان او در یک نگاه

خاندان گوران میرضیاءالدینی که ادامه حکمرانی امرای پلنگان محسوب می‌شوند، پس از فتح پلنگان و شکست میرواسکندر، نیای امرای مزبور و مذکور در شرفنامه بدلیسی و تخریب قلعه و نشیب و فراز فراوان، به سلسله حکام اردلان پیوسته و نسبت قرابت و وصلت یافتند.

چون حکام اردلان قلمرو حکمرانی خود را وسعت بخشیدند و تا حدود لرستان پیش رفتند، برای اداره سرزمین پهناور تحت سلطه و جلب رضایت سران و نزدیکان خود، بر تعداد ولایات کردستان افزودند و فرمانروایی سلیمان خان در سنه ۱۰۶۸ هجری که بنابر آنچه در زبدةالتواریخ سنندجی آمده است؛ که سلیمان خان با احترام در اصفهان و نزد شاه عباس صفوی تحت نظر بود و حکومت به فرزندش کلبعلی خان تفویض گردید...^۱ محل جوانرود و ایل جاف را به صفی خان سلطان گوران میرضیاءالدینی واگذار کردند.^۲ صفی خان سلطان با طوایف متعدد از عشیره خود که بعدها در زهاب سکونت گزیدند، به محل جوانرود و ایل جاف آمد.

زیستگاه ایل جاف در قرن یازدهم محدوده وسیعی را شامل می‌شد.^۳ صفی خان سلطان ابتدا در جوانرود قلعه صفی‌آباد را بنا نهاد و گردنه دامنه قلعه را که شباهتی با پلنگان، مسکن اصلی گوران‌ها داشت، پلنگانه نامیده و آباد کرد. از تیره‌های شجاع ایل جاف سپاهی فراهم آورد و زبندگان آنان را به خدمت گرفت. حکومت جوانرود در دوره صفویه در زمره حکمرانانی که تابین نبودند، قرار گرفت و با مداخل یک‌هزار و صد تومان و یکصد نفر ملازم در تذکرةالملوک ثبت گردید.^۴

۱. زبدةالتواریخ سنندجی، ص ۲ (نسخه خطی).

۲. تاریخ مستوره، ص ۱۴ (نسخه خطی) / زبدةالتواریخ سنندجی، ص ۲۰۰ (نسخه خطی) / تاریخ مردوخ، ج ۲، ص ۱۱۰.

۳. ر.ک محمدعلی سلطانی، ایلات و طوایف کرمانشاهان، ج ۱، ص ۱۲۳.

۴. تذکرةالملوک، صص ۸۵، ۲۰۴.